



## مبانی تربیت و تعالی انسان در تقابل اسلام و غرب؛ تحلیل تطبیقی با تأکید بر آموزه‌های رضوی (ع)

محمدحسین کیانی ✉

استادیار، فلسفه و کلام، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت، تهران، ایران. نویسنده مسئول: kiani61@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۶	این مقاله به بررسی تطبیقی مبانی «پرورش و تعالی» از منظر اسلام و مدرنیته، با تأکید بر آموزه‌های رضوی می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان تقابل بنیادین میان خوانش تربیتی اسلام و مدرنیته را در زمینه پرورش و تعالی انسان تبیین کرد. بدین سان، ابتدا به تحلیل مبانی معرفتی و اهداف تربیتی هر دو گفتمان می‌پردازیم. روش تحقیق به کاررفته، رویکرد تحلیلی-تطبیقی است که با استفاده از منابع دینی، همچون قرآن و احادیث امام رضا (ع) و همچنین آثار مرتبط با مدرنیته، به مقایسه دیدگاه‌ها و اصول تربیتی اسلام و غرب می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تربیت اسلامی، با تکیه بر عقلانیت، اخلاق و ایمان، به پرورش «انسان کامل» و تحقق کمال معنوی می‌پردازد، درحالی که مدرنیته، با محوریت اومانیزم و عقل‌گرایی سکولار، بر خودمختاری فردی و پیشرفت مادی تأکید دارد. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که آموزه‌های امام رضا (ع) می‌توانند نقشی اساسی در ارائه راهکارهایی برای مواجهه با چالش‌های مدرنیته ایفا کنند. در نهایت، مقاله بر ضرورت تدوین الگوهای تربیتی بومی و اسلامی برای مقابله با پیامدهای مدرنیته در جوامع مسلمان تأکید دارد.
واژگان کلیدی: تربیت دینی تعالی انسان مدرنیته چالش‌های تربیتی آموزه‌های رضوی	

استناد: کیانی، محمدحسین (۱۴۰۴). مبانی تربیت و تعالی انسان در تقابل اسلام و غرب؛ تحلیل تطبیقی با تأکید بر آموزه‌های رضوی (ع). فلسفه تطبیقی، ۲(۴). ۷۱-۸۲.

<https://doi.org/10.30487/cph.2025.2075582.1054>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۶) نویسندگان مقاله، نشریه فلسفه تطبیقی، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت).



## The Foundations of Education and Human Perfection in the Contrast Between Islam and the West: A Comparative Analysis with Emphasis on the Teachings of Imam Reza (AS)

Mohammad Hosein Kiani ✉

Assistant Professor, Department of Philosophy and Theology, Ahlul-Bayt International University, Tehran, Iran.  
Corresponding author: kiani61@yahoo.com

### Article Info

#### History

Received: October 23, 2025

Accepted: January 16, 2026

#### Keywords

Religious Education

Human Perfection

Modernity

Educational Challenges

Teachings of Imam Reza

### Abstract

This article conducts a comparative analysis of the principles of nurturing and human perfection from the perspectives of Islam and modernity, with a specific focus on teachings of Imam Reza. The central question of the study is: How can the fundamental contrast between the educational principles of Islam and modernity in the context of human development and perfection be explained? So, the epistemological foundations and educational objectives of both discourses are first examined. The research methodology employed is an analytical-comparative approach, utilizing religious sources such as the Qur'an and the sayings of Imam Reza (AS), as well as works related to modernity, to compare the educational principles and perspectives of Islam and the West. The findings of the study indicate that Islamic education, grounded in rationality, ethics, and faith, aims to cultivate the "perfect human" and achieve spiritual perfection. In contrast, modernity, centered on humanism and secular rationalism, emphasizes individual autonomy and material progress. Results also reveal that the teachings of Imam Reza can play a fundamental role in providing strategies for addressing the challenges posed by modernity. Ultimately, the article underscores the necessity of developing indigenous and Islamic educational models to counter the effects of modernity in Muslim societies.

**Citation:** Kiani, M. (2026). The Foundations of Education and Human Perfection in the Contrast Between Islam and the West: A Comparative Analysis with Emphasis on the Teachings of Imam Reza (AS). *Comparative Philosophy*, 2(4), 71-82.  
<https://doi.org/10.30487/cph.2025.2075582.1054>

© 2026 Authors, Comparative Philosophy.

**Publisher:** Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).

## مقدمه

مفهوم «تربیت» در لغت به معنای پرورش، تعلیم ادب و اخلاق و در اصطلاح به معنای فرآیندی در راستای کمک به رشد و شکوفایی توانایی‌های متربی است. «دین» نیز مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و رفتارهایی است که به هدایت فرد و تحقق ارزش‌های معنوی او می‌پردازد. در تعریف «تربیت دینی»، این دو مفهوم با هم ترکیب شده و فرآیندی را شکل می‌دهند که هدف آن رشد و شکوفایی فرد در چارچوب باورها و ارزش‌های دینی است (ضرابی، ۱۳۹۸: ۶۰). در این تعریف، باید توجه داشت که «دینی» نه صرفاً به عنوان یک توصیف، بلکه به عنوان هسته‌ی اصلی و قالب حاکم بر کل فرآیند تربیت عمل می‌کند؛ از این رو تربیت دینی به‌ویژه در بستر باورهای اسلامی، از خود دین و تعالیم آن الهام می‌گیرد و اصول، ارزش‌ها و غایات خود را از آن می‌گیرد. با این نگرش، تربیت دینی می‌تواند بسته به تفاوت‌های دینی، مدل‌های گوناگونی به خود بگیرد، نظیر تربیت اسلامی، مسیحی، یهودی، بودایی و هندو.

از سوی دیگر، هویت غرب جدید در مدرنیته به عنوان شیوه‌ای نوین از زندگی و تجدد، در برابر سنت‌ها و باورهای پیشین بنا شده است. مدرنیته به بازتعریف انسان و جهان در چارچوبی بشری و مبتنی بر خرد سکولار می‌پردازد و در این روند، عناصری از حیات انسانی نظیر اخلاق‌مداری و روابط انسانی را از سرچشمه‌های الهی دور می‌کند. مدرنیته در بسیاری از ابعاد حیات بشر رسوخ کرده و تأثیرات گسترده‌ای در فرهنگ و ارزش‌ها به جا گذاشته است. با این اوصاف، تربیت دینی و مدرنیته، به منزله‌ی بنیاد غرب جدید، می‌تواند در تقابل با یکدیگر قرار گیرند، چراکه مدرنیته، خود به عنوان چالشی اساسی برای باورها و ارزش‌های دینی، به‌ویژه در تربیت اسلامی، مطرح می‌شود.<sup>۱</sup>

این مقاله با محوریت آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه آموزه‌های رضوی، به بررسی چالش‌های تربیت اسلامی در مواجهه با مدرنیته می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش روشن ساختن «چرایی» تقابل بنیادین میان اسلام و مدرنیته در حوزه‌ی پرورش و تعالی به مثابه‌ی هدف غایی تربیت است و در این راستا به طور تطبیقی به بررسی و مقایسه‌ی مبانی، اصول، و اهداف این دو می‌پردازد. بررسی «چرایی» این تقابل، مستلزم تأمل بر ماهیت و فلسفه‌ی وجودی تربیت اسلامی و مولفه‌های مدرنیته است و به این ترتیب چارچوب نظری فراهم می‌آورد که ابعاد تفاوت‌های بنیادین این دو دیدگاه را روشن می‌سازد.

تاکنون آثاری درباره‌ی موضوع مقاله به فارسی تألیف شده است. برای نمونه، کتاب *مبانی انسان‌شناسی علوم انسانی در اسلام و غرب*، اثر مرضیه عبدلی و یاتیین ماهیت *انسان از دیدگاه اسلام و غرب و عوامل تربیت دینی*، نوشته‌ی مهدی سبحانی نژاد و همکاران، مقاله «بررسی حقوقی انسان از دو دیدگاه غرب و اسلام» نوشته‌ی ابراهیم موسی‌زاده و مقاله «مقایسه‌ی مفهوم، اهمیت و روش‌های تربیت اخلاقی در غرب و اسلام» تألیف مصطفی زبان‌دان. لکن، مقاله حاضر از چند منظر نسبت به پژوهش‌های پیشین متمایز است. از یک سو، نه تنها به مقایسه‌ی نظری میان اسلام و مدرنیته در سطح مبانی

۱. مدرنیته فراتر از یک دوره تاریخی یا تحول صرف اقتصادی-فناورانه فهمیده می‌شود و به عنوان یک پروژه فرهنگی، اجتماعی و انسانی عمل می‌کند که مبانی آن بر عقلانیت، تجربه فردی و خودبستگی انسان است. در واقع، مدرنیته را می‌توان در سه جنبه تحلیل می‌کند: نخست، به عنوان یک پروژه که شامل بازسازی جهان و سازمان‌دهی جامعه بر اساس اصول عقلانی، کنترل طبیعت و تمرکز بر توانایی‌های انسانی است؛ دوم، به عنوان تجربه‌ای که در زندگی روزمره متجلی می‌شود و شامل شهرنشینی، مصرف‌گرایی و تحولات فرهنگی است و سوم، به عنوان بازنمایی در هنر، ادبیات و رسانه، که ارزش‌ها، هویت و اضطراب‌های بشر مدرن را شکل می‌دهد. از منظر جرویس، مدرنیته با اومانیسزم روشنگری پیوند دارد و بر استقلال و اراده انسانی، به جای تکیه بر مرجعیت الهی یا سنت دینی، تأکید و بر اصالت عقل و آزادی فردی به منزله محور زندگی اجتماعی و فرهنگی توجه دارد. بدین سان، مدرنیته یک جهان‌بینی است که انسان را به عنوان مرکز معنا و ارزش معرفی می‌کند و هویت، فرهنگ و روابط اجتماعی را بر اساس عقل و تجربه فردی مدنظر قرار می‌دهد؛ امری که آن را در تقابل بنیادین با جهان‌بینی دینی قرار داده است. برای تفصیل نگاه کنید به:

انسان‌شناختی و تربیتی می‌پردازد که این تقابل را به صورت مشخص و روشمند بر محور «پرورش و تعالی» انسان صورت‌بندی می‌کند؛ امری که در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، مقاله با تأکید ویژه بر آموزه‌های رضوی (ع) به شرح و بسط این اندیشه پرداخته است، چرا که به نظر می‌رسد سهم آموزه‌های امام رضا (ع) در تبیین مبانی تربیتی و ارائه راهکارهای مواجهه با چالش‌های مدرنیته به طور مستقل و تطبیقی پیشینه چندانی ندارد. در واقع، مقاله می‌کوشد به بازسازی یک مدل تربیتی بومی بر اساس منابع دینی و به‌خصوص احادیث رضوی پرداخته و پیوندی میان «مبانی نظری»، «تحلیل تطبیقی» و «کاربرد تربیتی» برقرار کند. از این رو، تمایز مهمی میان اثر حاضر با پیشینه موجود در منابع فارسی وجود دارد.

### تربیت اسلامی و غربی: دیدگاه‌های متفاوت

تربیت اسلامی مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول و روش‌های تربیتی است که از قرآن، سنت پیامبر اسلام و سیره سلف صالح برگرفته شده است.<sup>۱</sup> این روش تربیتی، مبتنی بر هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه و اخلاق اسلامی است که از منابع مقدس اسلام ریشه می‌گیرد و تلاش می‌کند به شکوفایی ابعاد گوناگون انسان، از جمله جنبه‌های فکری، عاطفی، فیزیکی و اجتماعی بپردازد. قرآن کریم می‌فرماید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» (جمعه، آیه ۲)؛ او کسی است که در میان مردم ناآگاه پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را برایشان بخواند، آنان را پاک گرداند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد؛ در حالی که پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. این آیه بر اهمیت تعلیم و تربیت در رشد و تعالی انسان در تربیت اسلامی تأکید دارد.

از سوی دیگر، نقش معلم در تحقق تربیت و تزکیه در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چنان که امام رضا (ع) می‌فرماید: «اگر خداوند برای مردم امام، قیم، امین و حافظی معین نمی‌کرد، ملت و دین نابود می‌شد، سنت‌ها و احکام دگرگون می‌گشت، بدعت‌گذاران در دستورهای و تعالیم اسلام دست می‌بردند، ملحدان آن را دستخوش تغییر و تحریف می‌کردند و در جامعه اسلامی شبهه‌افکنی می‌شد، زیرا همه مردم از نظر عقل و اندیشه در یک سطح نیستند و به مربی نیاز دارند. در غیر این صورت، در مسائل گوناگون دچار اختلاف می‌شدند و پراکنده‌گی آراء، جامعه را از هم می‌پاشید. اگر امام و رهبری وجود نداشته باشد، جامعه فاسد می‌شود و شرایع، سنن، احکام و حتی ایمان دگرگون می‌گردد و مردم به فساد کشیده می‌شوند» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۲: ۱۰۱). در این میان، تزکیه مربی و اعتماد و باور مخاطبان به او حائز اهمیت است.<sup>۲</sup>

۱. بن سه‌گانه در روایاتی از امام رضا (ع) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه، مؤمن، مؤمن، مگر آنکه سه ویژگی در او وجود داشته باشد: یکی از پروردگارش، یکی از پیامبرش و دیگری از امامش. اما ویژگی از پروردگارش، پوشاندن رازهای خود است؛ ویژگی از پیامبرش، رفتار نرم و مدارا با مردم؛ و ویژگی از امامش، صبر و شکیبایی در برابر سختی‌ها و تنگدستی. (کافی، ۱۳۸۵، ۲: ۲۴۱)

۲. برای نمونه، چنین نقل شده است که «روزی مأمون از امام رضا علیه السلام خواست که نماز عید را اقامه کنند، اما امام ابتدا نپذیرفتند. تا اینکه با اصرار مأمون، حضرت فرمودند: «... من آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام برای نماز عید بیرون می‌رفتند، بیرون خواهم رفت». مأمون پذیرفت. آن حضرت با پای برهنه به راه افتاد و آنگاه سر به سوی آسمان بلند کرد و تکبیر گفت. همراهان و موالیان او نیز تکبیر گفتند. گویی آسمان و در و دیوار نیز با او تکبیر می‌گفتند. مردم، وقتی حضرت رضا علیه السلام را با آن حال دیدند و صدای تکبیرش را شنیدند، چنان به گریه افتادند که شهر مرو به لرزه درآمد. خبر به مأمون رسید. «فضل بن سهل» به او گفت: اگر علی بن موسی الرضا علیه السلام با این حال به مصلی برود، مردم شیفته او خواهند شد و ما همه بر خون خود بیمناک خواهیم بود. مأمون نیز دستور بازگشت حضرت را داد و امام بازگشت» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۲: ۱۶۷-۱۷۲).

در مقابل، مدرنیته به معنای شکلی از زندگی و اندیشه است که با رویکردی نو و متفاوت از سنت‌ها و آموزه‌های پیشین، به بررسی و بازاندیشی در باورها و شیوه‌های زندگی می‌پردازد. این نگرش که ابتدا در قرن شانزدهم اروپا ظهور یافت و به تدریج گسترش یافت، شامل ویژگی‌هایی چون فردگرایی، عقل‌گرایی، انسان‌گرایی، سکولاریسم و دموکراسی آزاد است (Cahoone, 2003: 8). مدرنیته با تحولات تکنولوژیکی، انقلاب‌های دموکراتیک و گسترش دین‌گریزی همراه بوده و باعث ایجاد تغییرات بنیادی در جوامع بشری شده است.<sup>۱</sup>

از یک سو، تربیت اسلامی در پی پرورش انسان‌هایی است که با مبانی دینی، اخلاقی و معنوی آشنا بوده و رفتار خود را مطابق آموزه‌های اسلامی تنظیم کنند. این تربیت به رشد همه‌جانبه فرد در تمام ابعاد زندگی او کمک می‌کند و در نهایت او را به سوی هدف غایی دین، یعنی کمال انسانی، هدایت می‌کند. از همین روست که امام رضا (ع) می‌فرماید: برنامه آموزش دین داشته باشید در غیر این صورت بادیه نشین و نادان محسوب می‌شوید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸: ۳۴۶). از سوی دیگر، مدرنیته با رویکردی سکولار و تجربه‌گرایانه، ارزش‌ها و اصولی را به دنبال دارد که مبتنی بر استقلال فردی، آزادی و نوسازی اجتماعی است و تلاش می‌کند انسان را از قیود سنتی رها ساخته و به شکلی جدید از پیشرفت سوق دهد.

### گوهر تربیت دینی

اسلام به جامعیت و تنوع ساحت‌های تربیتی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. در تربیت دینی، مبنای انتخاب شده برای تربیت بر نوع ساحت فکری تأثیر مستقیم دارد. در واقع، اصول مختلفی مانند عقل، ایمان، اخلاق و معنویت در تحقق این امر مهم است؛ اما تأکید بر عقل و استدلال به عنوان ستون اصلی تربیت دینی حائز اهمیت است (فرهمنده، ۱۳۸۸: ۳۳۵). از این رو، نظام تربیتی باید بر پایه تعقل و اندیشه‌ای باشد که آموزه‌های دینی آن را تأیید کرده‌اند. این دیدگاه ناشی از جامعیت دین اسلام است که به تمام نیازهای مادی و معنوی انسان توجه دارد.<sup>۲</sup> امام رضا (ع) نیز اهمیت عقل را در تربیت دینی و نزدیکی به خداوند بیان می‌کند؛ بدین معنا که نخست می‌فرماید: «دوست‌داشتنی‌ترین بندگان نزد خداوند، عاقل‌ترین و خردمندترین آنهاست.» (صدوق، ۱۳۷۸، ۲: ۲۰) و سپس تأکید می‌کند: «خرد

۱. به نظر می‌رسد که یکسان‌سازی مدرنیته و غرب کنونی امری موجه است، زیرا مدرنیته تنها به عنوان یک دوره تاریخی یا مجموعه‌ای از تغییرات اقتصادی و فناورانه نیست بلکه به عنوان یک پروژه فرهنگی و اجتماعی بنیادین قابل تحلیل است. پروژه‌ای که در غرب شکل گرفته و شاخصه‌های اصلی آن در تجربه زندگی روزمره، بازنمایی‌های فرهنگی و ساختارهای اجتماعی آن جامعه متجلی شده است. در این دیدگاه، ویژگی‌های کلیدی مدرنیته - از جمله اومانیسم و روشنگری، استقلال اراده انسانی، اصالت عقل، آزادی فردی و خودبستگی انسان - محصول بستر فرهنگی و فلسفی غرب است و به شکلی تداوم یافته در نهادها، ارزش‌ها و سبک زندگی جوامع غربی بازتاب یافته‌اند. بنابراین، وقتی از مدرنیته سخن می‌گوییم، به طور طبیعی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها، رفتارها و نگرش‌هایی مواجه هستیم که هم در تاریخ فکری غرب ریشه دارند و هم در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی غرب معاصر تجلی یافته‌اند. به عبارت دیگر، غرب کنونی حامل تجلی عملی و سازمان یافته شاخصه‌های مدرنیته است و تفاوت بنیادی میان مدرنیته به عنوان ایده و غرب به عنوان تجربه اجتماعی اندک است، زیرا شاخصه‌های فلسفی و فرهنگی مدرنیته در غرب شکل گرفته، نهادینه شده و به هويت اجتماعی و فرهنگی آن پیوند خورده‌اند. این پیوند مستقیم موجب می‌شود که در تحلیل‌های تطبیقی، غرب و مدرنیته به صورت یکپارچه بررسی شوند.

۲. استاد مطهری معتقد است: جامعیت محتوای دین به این معناست که به تمام نیازهای مادی و معنوی انسان پاسخ می‌دهد. این جامعیت شامل توجه به زندگی، امور اجتماعی، حقوق و آزادی‌های فردی است. همچنین بر اولویت دادن حق جامعه بر فرد، منع بهره‌کشی، پرهیز از اسراف و تبذیر، اهمیت توسعه زندگی، ارزشمند دانستن دفاع از حقوق، اصلاح‌گری و مبارزه مداوم با فساد تأکید دارد. اصولی همچون توحید، امکان همزیستی با دیگر موحدان، برابری، شناخت حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، پرهیز از تعصبات فکری و نژادی، و پذیرش واقعیت‌ها بدون تسلیم کامل به آنها نیز از دیگر جنبه‌های مورد تأکید است (مطهری، ۱۳۵۸: ۳۲).

بخششی از جانب خداست و ادب (تربیت) با زحمت و کوشش به دست می‌آید؛ پس، هر که در راه کسب آداب (تربیت) زحمت کشد به آن دست یابد و هر که در راه افزودن بر خرد، خود را به زحمت اندازد، جز بر نادانیش افزوده نشود» (کلینی، ۱۳۸۵، ۱: ۲۴). این حدیث به خوبی اهمیت عقلانیت و خردورزی در تربیت دینی را منعکس می‌کند.

این رهیافت چنان مهم و ضروری است که می‌توان به مجموعه‌ای از روایات منسوب به امام رضا (ع) استناد کرد؛ روایاتی که در آن‌ها امام به مجموعه‌ای از لوازم، مؤلفه‌ها و پیامدهای گوناگون در جهت استحکام بخششی به ساختار «تربیت اسلامی» اشاره فرموده‌اند. برای نمونه، ایشان احترام به پدر و مادر را با مسئله تربیت پیوند می‌زنند و می‌فرمایند: «خداوند نافرمانی از پدر و مادر را از آن‌رو حرام فرموده است که چنین نافرمانی‌ای موجب محرومیت از توفیق اطاعت خداوند عزوجل، بی‌احترامی به والدین، ناسپاسی از نعمت‌ها، کاهش نسل و گناه انقطاع آن می‌شود، زیرا نافرمانی از والدین سبب می‌گردد که به آنان احترام گذاشته نشود، حقوق‌شان نادیده گرفته شود، پیوندهای خویشاوندی گسسته گردد، والدین از داشتن فرزند دلسرد شوند، و در نتیجه، به دلیل نیکی ندیدن و فرمان نبردن فرزند، آنان نیز از ادامه تربیت او صرف نظر کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۶: ۷۴).

عقل و اندیشه در آموزه‌های اسلامی بسان راهنمای مسیر تربیت دینی به شمار می‌روند و بر همین مبنا است که امام رضا (ع) چنین می‌فرمایند: دوست هر کس عقل او و دشمنش جهل اوست (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۶۷) و اینکه ابن سکیت به آن حضرت گفت: امروزه حجت بر مردم چیست؟ در پاسخ فرمود: همان عقل است که به وسیله آن شناخته می‌شود آن که راستگو است از طرف خدا و از او باور می‌کند، و آن که دروغگو است و او را دروغ می‌شمارد، ابن سکیت گفت: به خدا این است پاسخ (همان: ۴۷۳).

اسلام علاوه بر شناخت نظری، برای انسان ابزارهایی مانند عقل و حس را مدنظر قرار داده و بر تزکیه نفس تاکید می‌کند؛ ابزارهایی که آدمی از آن‌ها در کسب معرفت دینی و پرورش اخلاقی بهره می‌گیرد. برای نمونه، تفکر درباره خلقت که همگی به منزله امر الهی به حساب می‌آید؛ از اهمیت فراوان برخوردار است. این اهمیت به گونه‌ای است که در کلام امام رضا (ع) چنین تاکید می‌شود: «عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت، تفکر در امر خدای والا است» (عطاردی، ۱۳۹۱، ۱: ۷). از سوی دیگر، این رهیافت در تربیت و تعالی تنها تمرکز بر بعد نظری ندارد؛ چرا که توامان کنش‌های اجتماعی و عینی نیز از اهمیت برخوردار است. چنان که امام رضا (ع) درباره اهمیت اخلاق و محبت به دیگران در کامل کردن ایمان می‌فرمایند: «ایمان بنده‌ای کامل نمی‌شود، مگر اینکه محبت او به دیگری به اندازه محبت او به خود باشد.» (همان، ۲: ۱۵۲). این حدیث، ضرورت وجود عواطف و احساسات مثبت همچون محبت به دیگران را در تقویت ایمان و تربیت دینی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که اسلام علاوه بر عقل، بر تقویت روابط عاطفی نیز توجه دارد.

همچنین امام رضا (ع) می‌فرماید: دوستی با مردم، نیمی از عقل است (همان: ۴۶۷) و یا اینکه به شکلی جامع درباره تکامل عقل انسانی می‌فرمایند: عقل مسلمان کامل نمی‌شود مگر اینکه ده خصلت در او باشد: یکم، از او امید خیر باشد؛ دوم، مردم از شر او در امان باشند؛ سوم، اندک نیکی دیگران را بزرگ بشمارد؛ چهارم، نیکی فراوان خود را کوچک ببیند؛ پنجم، از درخواست مردم دلگیر نشود؛ ششم، در تمام عمر از طلب دانش باز نایستد؛ هفتم، فقر در راه خدا را از ثروت برتر بداند؛ هشتم، خواری در مسیر خدا را از عزت با دشمن خدا محبوب‌تر بشمارد؛ نهم، گمنامی را بیش از شهرت پسندد. سپس فرمود: دهمی چیست؟ و چه بزرگ است دهمی! به ایشان عرض شد: چیست؟ فرمود: هیچ کس را نبیند مگر آنکه بگوید او از من بهتر و پرهیزگارتر است. (همان: ۴۶۷).

### ذات تربیت انسان‌مدارانه در مدرنیته

مدرنیته که محصول دوره رنسانس و بازگشت به خردورزی یونانی است، بر پایه اومانیسیم و انسان‌مداری شکل گرفته است. این دوره تلاش کرد تا انسان را به عنوان موجودی مستقل، با اراده و خلاق، به جایگاه مرکزی بشناسد و زمینه‌ای فراهم آورد تا فرد هویت خود را به طور مؤثر به کار گیرد.<sup>۱</sup> پیکودلا میراندولا، در خطابه معروف «مقام انسان»، از آزادی و توانایی انسان در تعیین سرنوشت خود سخن می‌گوید. او می‌گوید: هان ای انسان! نه مکانی ثابت برای تو مقرر کرده‌ایم، نه صورتی از پیش تعیین شده، و نه وظیفه‌ای مشخص بر دوش تو نهاده‌ایم، تا بتوانی به میل و اراده خود، جایگاه، شکل و مسیر زندگی‌ات را انتخاب کنی. در حالی که سرشت تمامی مخلوقات دیگر بر اساس حدود و قوانین الهی تعریف شده، تو از این محدودیت‌ها آزاد گشته‌ای و می‌توانی مرزهای سرشت خود را با اختیار و اراده خویش تعیین کنی. ما تو را در میانه جهان قرار داده‌ایم تا بتوانی هر آنچه در این عالم است به آسانی مشاهده کنی. تو را نه از آسمان آفریده‌ایم و نه از زمین، نه فانی و نه جاودانه، تا بتوانی آزادانه و با افتخار، همچون خالق و معمار خود، وجودت را به هر شکلی که می‌خواهی بیافرینی (Cassirer, 1948: 224).

این دیدگاه به مرور، نسل جدیدی از اومانیسیم را پدید آورد که در دوران روشنگری به اوج خود رسید. اومانیسیم روشنگری با تمرکز بر اراده و توانایی‌های انسانی، انسان را معیار همه چیز می‌دانست و به جای رویکردهای دینی، بر اقتدار، سیطره و جاه‌طلبی تأکید داشت. چنان که دنی دیدرو می‌گوید<sup>۲</sup> حضور انسان در هستی به دیگر موجودات معنا می‌دهد و انسان باید در مرکز کائنات قرار گیرد (Diderot, 1992: 25).

### تعالی و خودمختاری؛ مقایسه دو دیدگاه

از نگاه اسلامی، انسان با اتصال به معرفت الهی و بهره‌گیری از عقل و قلب، مسیر کمال را طی می‌کند. اما مدرنیته با تأکید بر استقلال و اراده انسانی، به جای تمرکز بر ارتباط با خدا، از اومانیسیم روشنگری پیروی می‌کند که به آزادی فردی، اصالت عقل و خودبستگی انسان بها می‌دهد.<sup>۳</sup> امام رضا (ع) درباره ارزش والای اختیار و آزادی در تربیت انسانی و سرنوشت آدمی می‌فرماید: «همانا خداوند انسان را آزاد آفریده است؛ او بر همه امورش حاکم است، مگر آنچه را که امر الهی بر آن حکم می‌کند.» (صدوق، ۱۳۷۸، ۲: ۲۸) این حدیث نشان‌دهنده جایگاه آزادی و اختیار در اسلام است و به فرد اجازه می‌دهد که بر اساس اراده و اختیار خود تصمیم‌گیری کند، با این تفاوت که در چارچوب و هماهنگی با امر الهی باید عمل کند. حتی در منظومه روایی امام رضا (ع) ساختار و ضوابطی برای تعالی و کمال انسانی نیز وجود دارد. برای

۱. توجه به این نکته حائز اهمیت است که مقاله در صدد تحلیل تطبیقی مبانی تربیت و تعالی انسان در اسلام و مدرنیته با تأکید بر آموزه‌های رضوی بوده و تمرکز اصلی آن بر تبیین تفاوت‌های بنیادین ارزش‌ها، اهداف و مبانی تربیتی دو گفتمان است. در این چارچوب، بررسی تمامی جریان‌های فکری متنوع در غرب و جزئیات اختلافات داخلی آن، از نظر حجم محتوا و دامنه پژوهش، امکان‌پذیر نبوده و می‌تواند باعث پراکندگی تحلیل و کاهش تمرکز بر اهداف اصلی مقاله شود. از این رو، به منظور حفظ انسجام تحلیلی و تمرکز بر مقایسه کلان با دیدگاه اسلامی و آموزه‌های رضوی، غرب به عنوان یک کلیت نمایانده شده است، هر چند که به‌درستی می‌توان به گونه جزئی‌تر به این مسائل پرداخت.

۲. و چنین می‌گوید: اگر انسان، یا موجودات اندیشمند و متفکری که او را تشکیل می‌دهند، از زمین رخت بریندند، چشم‌انداز پویای طبیعت به چیزی جز صحنه‌ای از ویرانی و سکوت تبدیل نخواهد شد. جهان به خاموشی فرو خواهد رفت و سکون و تاریکی شب بر آن سایه خواهد افکند. این حضور انسان است که به سایر موجودات معنا و جذابیت می‌بخشد. چه تعریف والاتری می‌توان برای مواجهه با تاریخ چنین موجودی ارائه کرد؟ چرا نباید انسان را همان طور که جایگاهش در کائنات اقتضا می‌کند، در کانون توجه قرار دهیم؟ چرا نباید او را در مرکز جهان بگنجانیم؟ (Diderot, 1992: 25).

3. See: John Jervis, Exploring the Modern: Patterns of Western Culture and Civilization, 1999.

نمونه، ایشان می‌فرمایند: «هیچ بنده‌ای به کمال حقیقی ایمان نمی‌رسد، تا اینکه این سه خصلت در او باشد: دین‌شناسی، اندازه و برنامه‌ریزی در زندگی و شکیبایی بر سختی‌ها و ناملايمات» (حرّانی، ۱۴۰۴: ۴۴۶).

در نهایت، اسلام و مدرنیته هر دو ارزش‌های محوری خاص خود را برای تربیت انسانی ارائه می‌دهند. اسلام با تکیه بر مبانی جامع و غنی خود، تربیتی را ترسیم می‌کند که در خدمت تکامل معنوی انسان است. در مقابل، مدرنیته بر اومانیزم و خودمختاری انسان تأکید می‌ورزد که نهایتاً فرد را به خودمختاری عقلانی و دنیایی مستقل سوق می‌دهد.

### هدف پرورش در نگرش اسلامی

از منظر اسلام، هدف غائی تربیت، «تکامل و تعالی انسان در راستای بندگی خداوند» است. تربیت دینی با تحلیل جامع نیازها و استعدادهای انسانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های عقلانی و معنوی، انسان را به سوی رستگاری و سعادت هدایت می‌کند (رقیب، ۱۳۸۸: ۱۴۳). امام رضا (ع) درباره جایگاه عقل در مسیر کمال انسان می‌فرماید: «دوست‌داشتنی‌ترین بندگان نزد خداوند، عاقل‌ترین و خردمندترین آنهاست» (صدوق، ۱۳۷۸، ۲: ۲۰). این حدیث تأکید دارد که عقل و خردورزی، راهی برای نزدیکی به خدا و شکوفایی انسان در تربیت دینی است. اسلام با اتکا به اصول و منابع معرفتی همچون قرآن و احادیث معصومین (ع)، بر پرورش وجدانی زنده و قلبی بیدار تأکید می‌کند تا انسان خود را مسئول اعمال و رفتار خویش بداند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدرّس، آیه ۳۸)، به این معنا که هر شخص در گرو اعمال خود است. امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: حریصانه به دنبال قضای حاجت حاجتمندان باشید، هیچ عملی بعد از واجبات، بالاتر از شاد کردن مسلمان نیست (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸: ۳۴۷).

بر همین مبنا، حکمای اسلامی نیز به تتبع و دسته‌بندی مسئله پرداخته‌اند؛ برای نمونه، ملاصدرا به سه محور اساسی توجه ویژه دارد: اول، معرفت به ذات الهی، صفات و جلوه‌های او؛ مبنای روایی این اندیشه را می‌توان در کلام امام رضا (ع) یافت؛ چنان که می‌فرماید: «سر آغاز عبادت خداوند متعال، شناخت اوست و ریشه شناخت خدا یگانه دانستن او» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۱: ۱۵۰). دوم، درک مسیر هدایت، مراتب کمال و شیوه سیر و سلوک به سوی پروردگار متعال؛ این محور نیز در استمرار در طاعت و عبادت الهی فراهم می‌شود و به همان گونه، مبنای روایی این اندیشه در کلام امام رضا (ع) را در بیان علت عبادت روشن می‌شود؛ چرا که می‌فرماید: تا این که مردم یاد خدا را فراموش نکنند و آداب او را وانگذارند و از اوامر و نواهی او غافل نشوند، زیرا درستی و قوام مردمان در این است. اگر بدون تعبد، به حال خود رها می‌شدند پس از مدتی دل‌هایشان سخت می‌شد» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۲۵۶) و سوم، آگاهی از روز رستاخیز، بازگشت به سوی خدا و وضعیت کسانی که به حقیقت دست یافته و به رحمت و بزرگواری الهی نائل شده‌اند. چنان که احادیث فراوانی از امام رضا (ع) درباره تبیین واقعه قیامت، توصیف مردم در آنجا و همچنین، توصیه به اموری برای تحصیل سعادت در قیامت وجود دارد؛ برای نمونه، می‌فرماید: «هر کس اندوه مؤمنی را بزدايد خداوند در روز قیامت، غم از دلش می‌زداید» (کلینی، ۱۳۸۵، ۲: ۲۰۰).

علامه طباطبایی اشاره دارد: هر صفتی که بر وجود یک چیز استوار است و در نهایت در افراد آن جریان می‌یابد، هدف و غایت آن موجود به شمار می‌آید. هدفی که خالق آن در هنگام آفرینش در نظر داشته، همان ویژگی است. برای نمونه، حیات نباتی یک درخت معمولاً به باردهی آن منتهی می‌شود. بنابراین، میوه‌ای که حاصل آن درخت است، غایت

۱. وی در این اصول، سه جنبه تکمیلی را نیز مطرح می‌کند: نخست، شناخت پیامبران به عنوان راهبران الهی؛ دوم، شناسایی اندیشمندان و هشدار درباره خطر گمراهی؛ و سوم، یادگیری نحوه تعامل انسان با جهان مادی و پدیده‌های آن. (ملاصدرا، ۱۳۶۴: ۱۱۶). از منظر او، تربیت اسلامی انسان را به کمال معنوی و معرفت الهی سوق می‌دهد و غایت نهایی تربیت در رسیدن به «قرب الی الله» است. این امر به افراد کمک می‌کند تا متناسب با ظرفیت خود، در جهت تحقق هرچه بیشتر انسانیت و صفات الهی گام بردارند.

و هدف وجودی آن درخت به حساب می آید. هدف از آفرینش آن درخت، همان میوه است. به همین ترتیب، اعمال نیک و شایسته، غایت و مقصود خلقت انسان به شمار می آیند. (طباطبایی، ج ۲، ۱۳۸۳: ۱۰) در این مسیر، امام رضا (ع) نیز به آزادی و اختیار انسان اشاره می کند و می فرماید: «همانا خداوند انسان را آزاد آفریده است؛ او بر همه امورش حاکم است مگر آنچه را که امر الهی بر آن حکم می کند.» (صدوق، ۱۳۷۸، ۲: ۲۸) این حدیث نشان می دهد که آزادی در اسلام به فرد اجازه می دهد که با اختیار خود در مسیر تعالی حرکت کند، اما این آزادی در چارچوب و هماهنگی با اراده الهی است.

### هدف معرفت‌شناختی تربیت در مدرنیته

در مقابل، مدرنیته با بنیان اومانیسم و عقلانیت، بر استقلال و خودمختاری انسان تأکید دارد. این دوره با تمرکز بر اراده فردی و توانایی‌های انسانی، زمینه را برای طرد اقتدارهای سنتی و ساختارشکنی مهیا کرد. تفکر آزاد و خردورزی، دو عامل کلیدی مدرنیته بودند که به فرد آزادی خودبنیان بخشیدند و به او اجازه دادند که حقایق خود را بیافریند. نیچه در این خصوص می گوید: حقیقت چیست؟ مجموعه‌ای از استعاره‌ها، تشبیهات و مجازاتی است که مانند ارتشی متحرک به وجود آمده‌اند؛ در واقع، مجموعه‌ای از روابط انسانی که در قالب‌های هنری و ادبی فشرده و مرتب شده‌اند و پس از آنکه مدت‌ها از آن‌ها توسط مردم استفاده شده، به نظر ثابت و آشنا می‌رسند و ذهن افراد را به خود مشغول می‌کنند. در حقیقت، آنچه که به عنوان حقیقت در نظر گرفته می‌شود، در واقع توهماتی است که فرد فراموش کرده آنها تنها تصورات ذهنی‌اند، استعاره‌هایی کهنه که دیگر قادر به تأثیرگذاری بر احساسات نیستند (Nietzsche 1973: 46).

این دیدگاه در نهایت به شکاکیت معاصر منجر شد؛ جایی که مدرنیته با رد اصول دینی، ایده‌خداشناسی و خودبستگی انسانی را برجسته کرد. «اما همه چیز فرایند تبدیل شدن را تجربه کرده است: واقعیت‌های ابدی وجود ندارند، همان طور که حقایق مطلق نیز وجود ندارند» (Hollingdale 1973: 60). در اینجا، دیگر معنا و غایت انسان با اراده و خواست الهی تعریف نمی‌شود، بلکه خود انسان به عنوان خالق معنا و حقیقت تلقی می‌شود. دکارت با بیان جمله معروف خود، «می‌اندیشم، پس هستم»، نقطه عطفی را در اندیشه غربی ایجاد کرد که در نهایت به تأکید بر انسان به عنوان معیار همه چیز انجامید. در فضای مدرنیته، هدف نهایی این است که انسان خود را با اتکا به عقلانیت و توانایی‌های شخصی‌اش به استقلال کامل برساند و خود مسئول زندگی و محیط پیرامون خویش باشد. اومانیسم روشنگری، که به ویژه در دوران پس از دکارت تقویت شد، انسان را از دستگاه آفرینش جدا کرد و به ترویج ایده‌های سکولار پرداخت تا جایی که این دیدگاه به نفی وجود خدا و تقدس انسان به عنوان خالق سرنوشت خود منجر شد.<sup>۱</sup>

۱. مدرنیسم با اولویت دادن به علم تجربی، آن را از سایر گونه‌های شناختی برتر می‌داند و در تمام جنبه‌های زندگی به آن اتکا می‌کند. پس از رنسانس، زمانی که اندیشه اروپایی در تلاش برای رهایی از ساختارها و محدودیت‌های حکمت مدرسه‌ای بود، دو جریان برجسته در فلسفه شکل گرفت: عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی. به این ترتیب، عقل‌گرایان و تجربه‌گرایان با جدیت در پی تعریف ویژگی‌های جدید به جای ویژگی‌های فلسفه ارسطویی قرون وسطی برآمدند و نگرش ارسطو در مورد استدلال، معرفت و علم را نقد کردند. تجربه‌گرایان با تأکید بر اهمیت تجربه حسی در فرآیند شناخت، به گسترش سلطه علم تجربی بر تفکر غربی کمک کردند. بنابراین، پیشرفت تمامی علوم، از فیزیک و زیست‌شناسی گرفته تا روان‌شناسی و اقتصاد، بدون توجه به تأثیر اندیشه تجربه‌گرایی قابل درک نیست. به همین دلیل، مدرنیسم در معرفت‌شناسی رویکرد غایتمند و ابزارگرایانه‌ای را اتخاذ کرد و آن را با معیاری بیرونی، یعنی خرد، ارزیابی نمود. از این رو، هدف معرفت را در فراهم ساختن قدرت و سود برای زندگی دنیوی انسان قرار داد. بر اساس این نگرش، منابع، موضوعات و اهداف شناخت به جهان محسوس و دنیوی بازگشت پیدا کرد، به عبارت دیگر، به واقعیت این جهانی. برای اندیشمندان عصر روشنگری، این فضای عظیم دیگر نمایانگر عظمت پروردگار نبود، بلکه نشان‌دهنده جنبه‌هایی از جهانی بود که می‌توانست تحت کنترل و تسلط بشر قرار گیرد (نوذری، ۱۳۷۹: ۲۸۹).

## تحلیل و بررسی

مسئله تقابل اسلام و مدرنیته پدیده‌ای جدید و منحصر به زمان حاضر نیست. اگرچه اسلام بیش از چهارده قرن و مدرنیته حدود پنج قرن قدمت دارند، اما بروز تقابل آشکار میان آموزه‌های دینی و اصول مدرنیته را می‌توان بیشتر از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی مشاهده کرد. در این دوران، مدرنیته به طور عمیق‌تری در جوامع غربی ریشه گرفت و به شکلی پویا و ثمرآور به عرصه‌های مختلف زندگی بشری نفوذ کرد، که در پی آن، برخی جریانات به بازگشت به دین و معنویت علاقه‌مند شدند. این موضوع، خصوصاً پس از انقلاب اسلامی در ایران، اهمیت بیشتری یافته و به یکی از مسائل اساسی و ضروری جامعه ایرانی تبدیل شده است. از همین رو، می‌توان گفت که اگرچه به لحاظ تاریخی این تقابل از گذشته‌ها وجود داشته، اما در عصر حاضر با توجه به چالش‌های فرهنگی و اجتماعی روز، در بسیاری از ابعاد زندگی عینی و ملموس است.

این تقابل را می‌توان از دو جنبه نظری و عملی تحلیل کرد. از منظر معرفت‌شناختی، در آموزه‌های اسلامی به مسائلی چون کرامت انسانی<sup>۱</sup>، آزادی اراده، و نقش عقل به عنوان بزرگ‌ترین موهبت الهی تأکید شده است. اما باید توجه داشت که این مفاهیم در بستر یک جهان‌بینی توحیدی و خداشناسانه تفسیر می‌شوند؛ به عبارت دیگر، این ارزش‌ها و مفاهیم در اسلام در چارچوب باورهای اساسی مانند ایمان به خداوند، توحید، معاد، و اخلاق الهی معنا می‌یابند. آزادی و استقلال واقعی تنها تحت لوای بندگی خداوند تحقق‌پذیر است و در عین اهمیت به امور مادی، آموزه‌های اسلامی توجه به آخرت و معنویت را نیز ضروری می‌دانند.

چنان که از امام رضا (ع) روایت شده که فرمودند: ایمان چهار رکن است: توکل بر خدا، رضا به قضای خدا، تسلیم به امر خدا، و گذاشتن کار به خدا (حرّانی، ۱۴۰۴: ۴۶۹) و اینکه ایمان انجام واجبات و دوری از محرّمات است، ایمان عقیده به دل و اقرار به زبان و کردار با اعضاء تن است (همان: ۴۴۴) اینکه هیچ بنده به حقیقت کمال ایمان نرسد تا سه خصلتش باشد: بینایی در دین و اندازه‌داری در معیشت و صبر بر بلاها (همان: ۴۷۱). بدین سان، توحید و ایمان به خداوند به گونه‌ای عینی دارای آثار متنوع تربیتی است. برای نمونه، می‌توان این آثار در کلام امام رضا (ع) را در رفتار مناسب در جامعه و به‌ویژه مهربانی به خانواده بررسی کرد. چنان که امام رضا (ع) می‌فرماید: بهترین مردم از نظر ایمان، خوش‌خوی‌ترین و مهربان‌ترین آنها نسبت به خانواده‌اش است و من مهربان‌ترین شما به خانواده‌ام هستم. (صدوق، ۱۳۷۸، ۲: ۳۸) و یا اینکه می‌فرماید: در قیامت نزدیک‌ترین شما به من از نظر مقام و جایگاه خوش‌خوی‌ترین شما است و خوب‌ترین شما آن کس است که با خانواده خود به نیکی و مهربانی رفتار نماید (همان: ۳۸).

هرچند در آموزه‌های اسلامی و مؤلفه‌های مدرنیته نقاط اشتراک وجود دارد، اما محصول نهایی پیروی از هر یک، بسیار متفاوت خواهد بود. آموزه‌های اسلامی به دنبال پرورش «انسان کامل» هستند؛ انسانی که در چارچوب تعالیم دینی به بالاترین مراتب اخلاقی و معنوی می‌رسد. ویژگی چنین انسانی که مصداقش پیامبران و امامان معصوم (ع) هستند؛ در منظومه فکری امام رضا (ع) متنوع است. برای نمونه، ایشان در نامه به فضل بن سهل می‌فرمایند: «جزو دین ایشان (ائمّه معصومین علیه السلام) است پاکدامنی و عفت، راستی و صالح و سختکوشی، ادای امانت به نیکوکار و تبهکار، سجده

۱. چنان که روایت شده است، روزی در مجلس حضرت رضا علیه‌السلام که جمع زیادی از مردم حضور داشتند و در مورد حلال و حرام و مسائل مختلف می‌پرسیدند، مردی وارد شد و خود را از دوستان حضرت و پدران ایشان معرفی کرد. او اظهار داشت که در بازگشت از حج، پول و نفقه‌اش را گم کرده و درخواست کمک داشت. پس از رفتن مردم و خلوت شدن مجلس، حضرت به اندرون رفت و پس از مدتی به بیرون آمد و دست خود را از بالای در بیرون آورد و پرسید: آن مرد خراسانی کجاست؟ مرد پاسخ داد: من اینجا هستم. حضرت دو دست دینار به او داد. پس از رفتن او، یکی از حاضران پرسید: ای پسر پیامبر! با اینکه هدیه شما زیاد بود، چرا خود را از او پنهان داشتید؟ حضرت فرمود: از ترس اینکه مبادا در چهره‌اش خفت و خواری سؤال کردن نمایان شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۹: ۱۰۱)

طولانی، عبادت شبانه، دوری از حرام، انتظار گشایش با شکیبایی، نیکو همنشینی و نیک همسایگی، نیکی کردن، دست از آزار شستن، گشاده‌روی، خیرخواهی و رحمت برای مؤمنان» (حرّانی، ۱۴۰۴: ۴۱۶). در مقابل، مدرنیته با تکیه بر اومانیسیم و عقلانیت فردی، به تولید «انسان مدرن» می‌انجامد که بیشتر بر آزادی شخصی و دستاوردهای مادی متمرکز است. در واقع، هدف از نگاه چنین انسانی کسب منفعت‌های این جهانی است؛ چنانچه خوبی و بدی امور نیز در تحقق چنین اهدافی معنا می‌شود. لکن، تربیت اسلامی توأمان می‌کوشد با حفظ دستاوردهای مثبت این جهان، شرایط را برای تعالی و کمال انسانی که ثمره آن در جهانی دیگر میسور می‌شود را فراهم آورد. از همین رو، توجه به سه نکته ضروری است:

نخست، اینکه کمک به دیگران در تحقق امور و نیازهای دنیوی آن‌ها مورد توصیه است؛ چنان که امام رضا (ع) می‌فرماید: بدانید که بعد از ایمان به خدا، و بعد از اعتراف به حقوق اولیای الهی از آل محمد، پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله، هیچ شکری نزد خدا خوشایندتر از این نیست که برادران مؤمن خود را در امور دنیایشان یاری رسانید (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۱: ۱۸۰)؛ دوم اینکه رهبانیت یا بی‌اعتنایی مطلق به این جهان مورد مذمت قرار گرفته است؛ چرا که امام رضا (ع) می‌فرماید: «از ما نیست آنکه دنیای خود را برای دینش و دین خود را برای دنیایش ترک گوید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸: ۳۴۶). سوم آنکه آراسته شدن به ادب الهی در پرهیز از دلبستگی به جلوه‌های دنیوی، شرط نجات و رهایی از حسرت در لحظه مرگ است. چنان که از امام رضا (ع) چنین روایت شده است: روایت می‌کنم که جبرئیل علیه‌السلام به نزد پیامبر خدا فرود آمد و گفت: ای پیامبر خدا! خداوند تو را سلام می‌رساند و به تو می‌فرماید: بخوان به نام خدای مهرگستر مهربان؛ هرگز به آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کرده‌ایم چشم مدوز، که زیور زندگی دنیاست تا ایشان را بیازماییم. و بدان که روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است. پس پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله به کسی فرمود تا جار بزند: هر کس [با عمل به این آیه] به ادب خدا آراسته نگردد، روحش با حسرت از دنیا جدا می‌شود (منسوب به امام، ۱۴۰۶: ۳).

بدین سان، رویارویی با مدرنیته، به معنای کنار گذاشتن آن یا دوری از زندگی مدرن نیست، بلکه نیازمند واکاوی و درک عمیق مفاهیم و لایه‌های بنیادین آن است که بر هویت فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. شناخت دقیق از اثرات مدرنیته، که از طریق فناوری و فرهنگ مصرف‌گرا به افراد و جوامع القا می‌شود، اولین گام در رویارویی آگاهانه با این پدیده است (حمیدیه، ۱۳۸۶: ۱۳). بدین سان، مؤلفه‌های سبک زندگی غربی، مانند اومانیسیم، فردگرایی، سکولاریسم، عقلانیت علمی و اعتماد بیش از حد به فناوری و صنعت، همگی با اصول و ارزش‌های اسلامی در تضاد هستند. در این میان، الگوی خانواده اسلامی-ایرانی به عنوان رکن اساسی تربیت اسلامی، به دلیل نبود راهکارهای عملی و الگوهای فرهنگی قوی، دچار چالش‌هایی شده است. تسلط مدرنیته و گسترش ابزارهای مدرن از یک‌سو و کمبود الگوهای اسلامی-ایرانی از سوی دیگر، موجب شده که تربیت اسلامی در فضای فرهنگی جامعه ایرانی با موانع اساسی مواجه شود. بدین سان، یکی از مهم‌ترین راهکارها برای مقابله با چنین وضعیتی بازگشت حکیمانه و عینی به آموزه‌های امامان معصوم است.

### نتیجه‌گیری

اسلام و مدرنیته، دو گفتمان بنیادین و تأثیرگذار در مسیر تعالی و پرورش انسان، هر یک دیدگاه‌های متفاوتی درباره اهداف نهایی تربیت انسانی ارائه می‌دهند. اسلام، با محوریت تعالیم الهی، هدف غایی تربیت را رسیدن به کمال انسانی و قرب الهی می‌داند. این رویکرد با بهره‌گیری از عقل، ایمان و اخلاق، چارچوبی جامع برای پرورش انسان ارائه می‌کند که در آن فرد، نه تنها به تکامل معنوی دست می‌یابد، بلکه به مسئولیتی عمیق‌تر نسبت به جامعه و محیط پیرامون خود ملتزم

می‌شود. امام رضا (ع) در آموزه‌های تربیتی خود، بر اهمیت عقلانیت، تزکیه نفس و اخلاق تأکید ویژه دارند و این اصول را راهنمایی برای هدایت انسان به سوی سعادت واقعی معرفی می‌کنند. در مقابل، مدرنیته با تأکید بر استقلال فردی و خودمختاری، مسیری متفاوت را پیش می‌گیرد. این گفتمان که بر پایه انسان‌گرایی و عقلانیت سکولار بنا شده است، انسان را در مرکز عالم قرار می‌دهد و او را مسئول ساختن معنا و تعیین مسیر زندگی خویش می‌داند. از این منظر، آزادی و خودبستگی، ارزش‌های محوری هستند که به انسان امکان می‌دهند تا با شکستن چارچوب‌های سنتی و دینی، مسیر خود را بر اساس عقل و تجربه شخصی شکل دهد.

با وجود برخی نقاط اشتراک در اصولی چون ارزش نهادن به خردورزی و آزادی، نتیجه‌نهایی این دو دیدگاه به طور چشمگیری متفاوت است. اسلام، با تأکید بر پیوند میان عقل و وحی، به پرورش انسانی می‌پردازد که در چارچوب اخلاق و معنویت الهی، به تعالی می‌رسد. در مقابل، مدرنیته با جدا کردن عقل از وحی، فرد را به سوی استقلال کامل و تمرکز بر نیازهای مادی هدایت می‌کند. این تفاوت‌ها نه تنها در اهداف نهایی، بلکه در روش‌ها و ابزارهای تربیتی نیز آشکار است. تضاد میان این دو گفتمان، به ویژه در جوامعی که با چالش‌های مدرنیته مواجه هستند، نیازمند بررسی دقیق و واکنش‌های هوشمندانه است. در این میان، تربیت اسلامی باید با تکیه بر مبانی اصیل دینی و بهره‌گیری از آموزه‌های معصومین (ع)، به ویژه آموزه‌های رضوی، الگویی کارآمد و قابل اجرا برای پرورش نسل‌های آینده ارائه دهد. تنها با اتخاذ رویکردی جامع و متوازن، می‌توان در برابر چالش‌های مدرنیته ایستادگی کرد و جامعه‌ای را پرورش داد که هم‌زمان با بهره‌گیری از دستاوردهای مدرن، در مسیر تعالی معنوی و اخلاقی حرکت کند.

## منابع

### القرآن الکریم.

- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). *تحف العقول*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. برمن، مارشال. (۱۳۷۹). *تجربه مدرنیته* (مراد فرهادپور، مترجم). تهران: طرح نو.
- بهشتی، سعید. (۱۳۸۸). تأملاتی در فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام: مجموعه مقالات همایش تربیت دینی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- حمیدیه، بهزاد. (۱۳۸۶). *جنبش‌های نوپدید دینی و هویت ملی در ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- رقیب، مائده‌سادات. (۱۳۸۸). نقش هوش معنوی در تربیت دینی: مجموعه مقالات همایش تربیت دینی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*. تهران: انتشارات جهان.
- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. قم: مکتبه‌الداوری.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۳). *المیزان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ضرابی، عبدالرضا. (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی تربیت دینی*. قم: مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۳۹۱). *مسند الامام الرضا علیه السلام*. تهران: عطارد.
- فرهمنند، زینب. (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی تربیت دینی: مجموعه مقالات همایش تربیت دینی*. قم: مؤسسه امام خمینی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۵). *اصول کافی* (صادق حسن‌زاده، مترجم/مصحح). تهران: قائم آل محمد.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحارالانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). *خاتمیت*. تهران: صدرا.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۴). *المظاهر الهیه* (سید حمید طبیبیان، مترجم و شارح). تهران: امیرکبیر.
- منسوب به امام رضا علیه السلام. (۱۴۰۶). *فقه الرضا*. قم: مؤسسه آل‌البيت لإحياء التراث.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۷۹). *صورت‌بندی پست‌مدرنیته*. تهران: نقش جهان.

Cahoone, L. (2003). *From modernism to postmodernism*. Blackwell.

Cassirer, E. (1948). *The renaissance philosophy of man*. University of Chicago Press.

Diderot, D. (1992). *Political writings* (J. H. Mason & R. Wokler, Eds.). Cambridge University Press.

Nietzsche, F. (1973). *The portable Nietzsche* (W. Kaufmann, Ed.). The Viking Press.

Jervis, J. (1999). *Exploring the modern: Patterns of western culture and civilization*. Wiley-Blackwell.